

اندیشه اربعین

محمدابراهیم یزدانی

اربعین؛ فناوری فرهنگی و اجتماعی

سال‌هاست که پیوند محرم با اربعین به پیاده‌روی نجف تا کربلا توسط عاشقان ابا‌عبدالله الحسین(ع) ختم می‌شود. شاید هیچ‌وقت جابر بن عبدالله انصاری نمی‌دانست در حال پای گذاشتن در مسیری هست که سنتی جدید و الهی برای تشیع خلق می‌کند. پیاده‌روی اربعین یک مراسم و تجمع عظیم عزاداران نیست؛ زیرمقام عزا و عزاداری برای سیدالشهدا(ع) همیشه و در همه نقاط و اعصار حیات شیعه جاری است و مختص به زمان و مکان خاص نیست. پس بافت هویتی و فرهنگی اربعین متفاوت‌تر از یک قیام برای اقامه عزاست. اما از سوی دیگر اربعین در عین حال که یک فرهنگ مادر به حساب می‌آید، ویژگی‌هایی دارد که خود را از قالب فرهنگ بیرون می‌کشد و بر فضای پیرامونی خودش و گفت‌مان آن، غلبه می‌یابد. اربعین را می‌توان یک فناوری بی‌نا فرهنگی دانست که در نسبت با دو امر فرهنگ و سیاست در حال رفت‌وبرگشت است. وقتی از نقش سیاست سخن می‌گوییم منظور مرادوات و قواعد رسمی و قانونی هست که به تبع فناوری بودن اربعین، تغییر ماهوی پیدا می‌کند. اربعین مفاهیمی همچون مرز بین کشورها و تفاوت فرهنگ زیستن را درمی‌نوردد و برای مدت هر چند کوتاهی این امر فرهنگی بر قواعد و چارچوب‌های غالب می‌شود. وقتی زائری از پاکستان ۳۰۰۰کیلومتر دورتر از حرم عشق، مرزها را پشت سر می‌گذارد، در واقع نقطه تلاقی و برخورد امر فرهنگ با امر سیاسی است. در نسبت‌سنجی روابط این امر فرهنگی می‌توان اینگونه تعبیر کرد که اربعین حاصل مجموعه‌ای از تعاملات و تبادلات بین مسئله دین و فرهنگ عمومی است. وقتی شما زائر دیار کربلا می‌شوید در عین حال که با شوق دینی برای زیارت مزار سیدالشهدا(ع) پای در مسیر می‌گذارید، مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های خود را برای امر والاترئی فدا می‌کنید. احترام به فرهنگ و مردم عراق، تلاش برای آرام‌سازی جو سیاسی و اجتماعی عراق برای برگزاری راهپیمایی اربعین بخشی از فداکاری فرهنگی است.

اربعین؛ به‌مثابه جنبش اجتماعی

پیاده‌روی اربعین حسینی از وجوه ممتاز هجرت در فرهنگ سیاسی شیعی است که به‌عنوان بزرگ‌ترین اجتماع انسانی جهانی بر گزار می‌شود. این اجتماع باشکوه مذهبی علاوه بر دارا بودن و جوه ممتاز مذهبی، واجد پیام‌های عمیق سیاسی و اجتماعی است. بر همین اساس شاید بتوان اربعین را در بستر جامعه‌شناسی سیاسی و حوزه جنبش‌های اجتماعی نیز مورد بررسی و مذاقه قرار داد. وقتی واقعه اربعین را از این منظر بررسی می‌کنیم با مؤلفه‌هایی همچون؛ استمرار ساختار و سناد مسئله، بهره‌بردن از طیف وسیع شرکت‌کنندگان، وحدت و ارزشمندی هدف، تکرار و تعهد در اجرای آن و برمی‌خوریم که همگی این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد اربعین حسینی یک جنبش عظیم اجتماعی است. جنبش‌های اجتماعی متناسب با کارکرد و توان رهبری‌شان در تاریخ مدت‌های مختلفی برای باقی‌ماندن دارد‌اما اربعین براساس بافت عظیم و تاریخ‌سازی همچون واقعه عاشورا شکل گرفته است؛ لذا این به‌عنوان یک جنبش اجتماعی ذاتا یادوام و مانا هست و خواهد بود. صرفا این جنبش به تغییر نوع مواجهه‌بفرهنگ پیرامونی خود متناسب با مسائل و رخدادهای هم‌برزاد و ماهیت خود را از دست نمی‌دهد و از مؤلفه‌هایش عدول نمی‌کند.



اربعین؛ منسکی میان فرهنگی

مکان و ظرفیت‌های پیاده‌روی عظیم اربعین- به‌مثابه یک آیین و منسک معنوی را می‌توان از منظر ارتباطات میان فرهنگی نیز مورد بررسی قرار داد. ارتباط و تماس فرهنگی زائران کشورهای مختلف جهان اسلام و از فرق مختلف و برخی ادیان در این آیین مشترک معنوی، مسئله‌ای مهم و بینافرهنگی به‌حساب می‌آید که می‌تواند زمینه‌های همگرایی و تسهیل ارتباطات میان فرهنگی زائران ایرانی و عراقی را فراهم کند. تفاوت‌های فرهنگی در اجتماع عظیم اربعین و حضور کشتگان فعال با هویت‌های مختلف قومی، نژادی و فرهنگی نیازمند استفاده از روش‌هایی هست که بتواند جنبه‌های ارتباطی و فرهنگی این جمعیت متکثر و متنوع را در جهت همگرایی، مدیریت و راهبری کند. سازوکارهای فرهنگی عامه، همچون: گفت‌وگوی همدلانه بین زائرین، پذیرایی از مهمانان سایر کشورهای، ارتباطات غیرکلامی و نظایر آن می‌تواند مبداهای شکل‌گیری همگرایی، فرهنگ‌پذیری و تقویت اتحاد بین شیعیان شود؛ لذا حضور سالانه میلیون‌ها زائر با تمایزات هویتی در امتیسترک آیین و مذهبی، بی‌انگیزه بسط تمدنی این امر بین فرهنگی و توسعه مناسبات انسانی و ارتباطات میان فرهنگی در خلال راهپیمایی اربعین حسینی است.

اربعین؛ به‌مثابه سرمایه اجتماعی

هرقدر هم که اربعین-حسینی را از منظر فرهنگی موردبررسی قرار دهیم، اما باید گفت بخش زیادی از محبوبیت این آیین به جاذبه‌های فرهنگ حسینی مربوط می‌شود. اما همین محبوبیت در دل امر اجتماعی، منجر شده‌ تا اربعین را به یک سرمایه اجتماعی گرانبها تبدیل کند. شاید تا یک دهه قبل کسی تصور نمی‌کرد این حرکت عظیم به یک سرمایه اجتماعی بین ملل تبدیل شود. اما الان، پیش از تکرار حضور پرشورتر هرساله مردم در این آیین، باید گفت حراست از اربعین به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی امری مهم و حساس است. از این‌رو که با دولتی شدن این مناسک و حضور سازوکارهای بوروکراسی شاید این آیین از جنبه‌های اجتماعی و مردمی بودن خود دور می‌شود و به‌تبع آن کارکردهای فرهنگی و دینی خود را از دست می‌دهد؛ لذا ساختار دولت باید به‌عنوان نگهداری امین و دلسوز از این سرمایه اجتماعی حمایت و مراقبت کند تا با کنشگری خود در عرصه فرهنگی برای جامعه سرمایه‌بند باشد.



ظهور نیروی قدسی و غیرسکولار

تحلیل تاریخی، تمدنی و اجتماعی اربعین به روایت محسن اراکی، حسین کچوئیان و محسن الویری

اندیشه دینی

موضوع پیاده‌روی اربعین و این

همایش عظیم انسانی که در تاریخ، هیچ نظییری برای آن نمی‌توان سسراغ گرفت. از ابعاد گوناگون توسط شخصیت‌های علمی مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در نوشتار پیش‌رو به‌صورت اجمال نظرات ۳نفر از شخصیت‌های بازر علمی که هر کدام بعدی را مدنظر داشته‌ار، ارائه خواهیم کرد. نخستین مقاله در حجت‌الاسلام محسن اراکی است که به نقش قیام ابا‌عبدالله(ع) در تحرک تاریخ پرداخته است.گزیده دوم تحلیلی جامعه‌شناختی از دکتر حسین کچوئیان است و بخش سوم، دربردارنده نگاهی تمدنی به اربعین به قلم محسن الویری است.

چایگاہ قیام حسینی در حرکت تاریخ

محسن اراکی

همانگونه که در جهان آفرینش و جهان تکوین جایی برای «تلفاق» و «حادثه بی‌حساب» وجود ندارد، در جامعه بشری هم هیچ حادثه‌های اتفاقی و بی‌حساب و بدون نظم نیست. لذا هر حرکتی بر مبنای نظم و حساب و معیار می‌گیرد. این حرکت هم هدف‌دار است؛ یعنی به‌شکل نظمی می‌رسد که خداوند مقدر کرده است: «وراثت و امامت مستضعفان.» (فصل ۱۵)

اما ویژگی‌های این «انرژی» چیست؟ ویژگی اول این است که این انرژی جهت‌دار و هدف‌دار است؛ یعنی یک انرژی راه‌وپایه‌ی هدف نیست و مردم را به یک سمت می‌کشاند و آن سمت، سیدالشهداست و حضرت یک مجموعه‌ارزشی مشخصی است که نیاز به تبیین بسیار دارد.

ویژگی دوم این است که این انرژی وحدت‌گراست و سمت و سوی افراد جامعه را به یک طرف قرار می‌دهد و نیروهای پراکنده و ارزش‌طلب جامعه را یک‌دست می‌کند؛ یعنی جریانِ است که می‌تواند انرژی‌های ارزش‌مسار و انرژی‌های عدالت‌خواه و انرژی‌های تفواخواه را یکپارچه کند و به یک انرژی عظیم اجتماعی تبدیل کند که هم‌سازنده‌های عد و هم‌ویرانگر و برانگیز ظلم و ستم و سازنده‌بنیادهای اعدل و ارزش‌های متعالی. ویژگی سوم این است که بسیج‌کننده همه استعدادهای انسانی است؛ یعنی یک انرژی عادی نیست که حرکت‌زایی آن در یک حد متوقف شود. گاهی یک‌انگیزه‌برای کار خیر در انسان به‌وجودمی‌آید اما توانایی انگیزش این‌انگیزه محدوداست و یک‌جایی متوقف می‌شود. گاهی فردی کمی پول در راه خیر می‌دهد، اما همه پولش را نمی‌دهد. گاهی تمام پول را می‌دهد اما جانش را نمی‌دهد. این یعنی حد «بقف» دارد. اما انرژی امام‌حسین(ع) چنان انگیزشی دارد که فرد بندنابل این هدف، جانش را هم می‌دهد. به‌گونه‌ای که تمام ظرفیت آدمی را به حرکت درمی‌آورد. امروز مقابله با این انرژی هدف‌دار حسینی در ۳سطح انجام می‌شود:

الف) مبارزه با کارایی این انرژی تا آن‌را از هدف و جهت خود که مبارزه علیه‌ظلم و برپایی عدل است باز بدارد. **ب)** خنثی‌سازی جهات و ویژگی‌های سه‌گانه این انرژی. مثلا عامل وحدت را به عامل تفرقه تبدیل می‌کنند. **ج)** بهره‌گیری از خود این انرژی برای جهتی دیگر و برای اهدافی ضاهداف خود این انرژی.

نکته پایانی آنکه زیارت اربعین و این راهپیمایی را باید

تحلیل کرد و به این جنبه‌های آن توجه داشت.

فهم اربعین در چارچوب مفهوم تمدنی

حسین کچوئیان

روشن است که در حادثه راهپیمایی اربعین اتفاق نامعوم و غریبی واقع شده و ذهن تشنه فهم آن، به‌رغم اینکه حسس ما

می‌گوید رخدای بزرگی است، ولی خیلی نتوانستیم به

لحاظ مفهومی به آن نزدیک شویم و ببینیم این بزرگی واهمیت از چه‌جانب است. به‌مفهوم می‌رسد باید ببینیم که راهپیمایی اربعین را در چه چارچوب ذهنی قرار دهیم تا این مسئله برای ما روشن شود. چون راه فهم چیزی که برای ما مهم است این است که آن را در قالب‌های مفهومی قرار بدهیم. در پیوند با قالب‌های مفهومی که نزد ما معنادار و مفهوم است، آن را نیز بغمیم. به‌طور مشخص، ما می‌خواهیم از طریق فهم ماهیت و چستی این حادثه ببینیم که این رخداد چه ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی دارد و می‌خواهد چه کار کند! چارچوب‌های متعددی، هم به لحاظ کلی و هم به لحاظ جزئی، وجود دارد. مانند چارچوب دینی، عرفانی، فقهی و اخلاقی. البته به لحاظ مفهومی چارچوب‌های بیرون از قفه هم وجود دارد. قاعدتا چیزی که از بنده انتظار می‌رفته قرار دادن این مسئله در چارچوب مفهومی اجتماعی است. البته بنده خیلی ابا دارم که از لفظ جامعه‌شناسی استفاده کنم؛ زیرا به‌نظر من جامعه‌شناسی صورت خاصی از فهمیدن است که آن را درست نمی‌دانم و لذا به‌نظر من استفاده از لفظ چارچوب اجتماعی مطلب را به شما می‌ساند. البته قالب‌های مفهومی متعددی وجود دارد، مثل چارچوب کارناوال یاخشتین و فقهی که در آن کارناوال دارد (که بنده به هیچ وجه در اینجا مصداق پیدا نمی‌کنم. ولی ممکن است برخی‌ها از بعضی جنبه‌ها این را مصداق بدهند و چه چیزی بر اساس این فرق کند، ولی به‌نظر من تطبیق نمی‌کند

چارچوب دیگر برای فهم، چارچوب فهم اجتماعی دینی است؛ یعنی فقهی که در جامعه‌شناسی دین از مسئله داریم باحتی فراتر از جامعه‌شناسی دین؛ فقهی که در انسان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دین با بعضاً فلسفه دین از مناسک وجود دارد. این حادثه به‌عنوان مناسک دینی شناخته می‌شود؛ چون شکل خاصی از زیارت است و می‌توان در این چارچوب به آن نگاه کرد. این، چارچوب دینی نیست و جنبه‌های خیلی خوبی از فهم را به ما می‌دهد ولی به‌نظر من این چارچوب نیز آن چیزی که من از حادثه می‌فهم بازتاب نمی‌دهد. به‌نظر من، باید چارچوب دیگری برای فهم این حادثه و تجربه خیرات را ارائه‌دهد؛ یعنی تجربه لحظاتی متعالی پیدا کرد. این تجربه در زمان انبیا از طریق انبیا و در غیرزمان انبیا در مقاطع تاریخی مثل انقلاب اسلامی حاصل می‌شود و ما نمی‌دانیم آسمان چطور باز می‌شود؛ یعنی حادثه عادی نیست که ظرف ۲سال یک جامعه متحول می‌شود و کل انسان‌ها عوض می‌شوند و انسان از این بدین لذت می‌برد. این چیزی عادی نیست و کسی آن را تحلیل نکرده و یکی از نقاط مغفول در علوم اجتماعی است. این فقط مختص انقلاب ما نیست بلکه تمام انقلاب‌ها تجربه خیرات را ارائه‌دهد؛ یعنی تجربه لحظاتی عموم به‌دست آوردیم نزدیک است و آن را توجیه می‌کند و هم محتوای اساسی این حادثه را که قرار است حادثه تاریخی بزرگ باشد. برای اینکه وارد این فهم شویم، از تقابل‌هایی که در نظریات اجتماعی بین اشکال مختلف کنش و جماعات و اجتماعات شده استفاده می‌کنم. می‌دانید که این شکل از عمل و کنشی که در قالب اربعین ظاهر می‌شود شکلی از جماعت و کنش است که هم به لحاظ کنشی و هم به لحاظ صورت نظام اجتماعی که تجدد را می‌سازد دقیقا مقابل منطق

نظام تجدیدی قرار می‌گیرد. می‌دانید که نظام تجدیدی و مدرن اساسا نظامی است که خودش را براساس عقلانیت ابزاری تعریف کرده و نظام اجتماعی‌اش هم در این منطق عمل می‌کند؛ یعنی ساختارها و کنش‌های مختلف خود را بر اساس منطق عقلانی سازمان می‌دهد؛ یعنی نظام مدرن نظام عقلانی است. از ابتدایی که منطق حساب‌گرایانه تجدیدی شکل گرفت تا زمانی که نظریه اجتماعی به شکل کامل

توسط ماکیاوولی و هابز و لاک پخته شد و نظریه قرار داد اجتماعی بر اساس همین منطق مطرح شد، دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های آن اینگونه است که جامعه مدرن مبتنی بر این نوع عقل و حسابگری است و کنش‌هایش هم این نوع کنش‌هاست. در مقابل این کنش‌ها و این نظامات، مطلق طبقه‌بندی «بور» از کنش‌ها، نظامات سنتی و عاطفی قرار دارند و جنبش عقلانیت آنها عقلانیت غیرحسابگرایانه است. مثلا

به‌صورت ممدناق مشخص، در اربعین عقلانیت ارزشی حاکم است. به این معنا که شما کسی اعمال انجام می‌دهید که قصدتان تقرب به حق تعالی و قلعه‌رومنای است. در صورتی که در عقلانیت ابزاری کاری که شما انجام می‌دهید هدف‌های این‌دنیایی دارد؛ مثلا شما می‌خواهید این جنس را بخرید و از آن استفاده کنید، یا به‌مراتب بالای اجتماعی برسید و مدرک بگیرید. مدرک گرفتن هدفی است در مسیر هدف عالی‌تر و دنیایی شما و عقلانیت ابزاری است. بنابراین، این شکل از عمل و فعلی که در اربعین اتفاق می‌افتد از نظر منطق دنیای مدرن شکلی از رفتار غیرعقلانی به‌معنای رفتار غیرحسابگرایانه است و ما بازای عینی و رویشن و مشخصی ندار، بلکه ما بازای توهمی دار. نهایتا از نظر این منطق می‌خواهد یک ارضای روانی و روحی ایجاد کند و آرامشی بدهد و دغدغه‌های را از بین ببرد. ولی مطابق فقهی که من در تحلیل نظام کنشی و اجتماعی مدرن عرض کردم، ما در اربعین امکان تجربه یک جهان دیگری را داریم؛ یعنی ما با کنش‌هایی در این اجتماع دینی در اربعین مواجه هستیم که به‌فراهم‌سازی امکان تجربه متعالی منجر می‌شود.

حتما شنیده‌اید که مردم با حضرت رسول چه کار می‌کردند و آب دستشان یا چیزی را که می‌خورند برای تبرک می‌بردند. آنها چه زیبایی دارند و من می‌دیدند و چطور غرق در او می‌شدند که این حالت از آنها بروز می‌کرد؟ اینکه سر و دست می‌شکستند برای موهومات نبوده، بلکه یک زیبایی یکپارچه می‌دیدند و برای کسب تجربه این زیبایی مشارکت می‌کردند و تمدنی که ظرف ۱۰۰سال با آدم‌های عجیب و غریب شکل گرفت از طریق این پیوند ظهور پیدا کرد. این تجربه در زمان انبیا از طریق انبیا و در غیرزمان انبیا در مقاطع تاریخی مثل انقلاب اسلامی حاصل می‌شود و ما نمی‌دانیم آسمان چطور باز می‌شود؛ یعنی حادثه عادی نیست که ظرف ۲سال یک جامعه متحول می‌شود و کل انسان‌ها عوض می‌شوند و انسان از این بدین لذت می‌برد. این چیزی عادی نیست و کسی آن را تحلیل نکرده و یکی از نقاط مغفول در علوم اجتماعی است. این فقط مختص انقلاب ما نیست بلکه تمام انقلاب‌ها تجربه خیرات را ارائه‌دهد؛ یعنی تجربه لحظاتی عموم به‌دست آوردیم نزدیک است و آن را توجیه می‌کند و هم محتوای اساسی این حادثه را که قرار است حادثه تاریخی بزرگ باشد. برای اینکه وارد این فهم شویم، از تقابل‌هایی که در نظریات اجتماعی بین اشکال مختلف کنش و جماعات و اجتماعات شده استفاده می‌کنم. می‌دانید که این شکل از عمل و کنشی که در قالب اربعین ظاهر می‌شود شکلی از جماعت و کنش است که هم به لحاظ کنشی و هم به لحاظ صورت نظام اجتماعی که تجدد را می‌سازد دقیقا مقابل منطق

قدسی‌کننده برای مواجهه با موجی که در آن هستیم خیلی اساسی است. اربعین جایی است که یک نیروی قدسی‌شونده و قدسی‌کننده و غیرسکولار در آن ظاهر می‌شود و در هر سال به تناوب ظهور پیدا می‌کند. من علت این مسئله را نمی‌دانم و همانطور که گفتم، به یک تقدیر تاریخی برمی‌گردد. اینکه چرا خداوند قضایی را باز می‌کند یا می‌بندد و چرا این امکان را می‌دهد تا زمانی دهد را نمی‌توانیم بفهمیم. ولی این را می‌فهمیم که تجربه‌ای که اتفاق می‌افتد از جنبش تجربه‌هایی است که گویی پای خدا را در تاریخ باز می‌کند؛ امکان ظهور خدا در این عالم به امکان و ازمنه خاصی محدود شده ما با موج مجددی از این ظهور و بروز مواجه هستیم و آنچه در اعمال و افعال انسان‌ها می‌بینیم نشانه‌ای از چنین بروز و ظهوری است.

مفهوم ظرفیت تمدنی اربعین

محسن الویری

مرداد از ظرفیت تمدنی اربعین این است که با هر تعریفی از تمدن و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن مانند خرد جمعی، نظم اجتماعی، انسجام اجتماعی، هم‌افزایی دانشی، فداکاری، کلان‌نگری، تولید علم، تولید ثروت، رواداری و پذیرش تنوع دیدگاه‌ها و جز آن می‌توان در مناسک بزرگ اربعین، نمونه‌های بسیاری از آنها را در سطح خرد مشاهده، آنها را برجسته کرد و راهپیمایان اربعین را به خو گرفتن با آن و رواج آن در فردای پیاده‌روی هم فراخواند.

مگر حضور گرایش‌های مختلف شیعی و اسلامی و

دینی در اربعین شاهد و تمرینی بر رواداری و هم‌افزایی اجتماعی نیست؟ آیا نمی‌توان از راهپیمایان اربعین خواست که این انسجام را با یک نگاه بلند به آینده امت اسلامی پاس بدارند؟ مگر این راهپیمایی بی‌تغییر و باشکوه نشانگر آن نیست که چگونه قواعد مسلط بر جهان در برابر اراده استوار انسان‌هایی که دل‌هایشان با محبت حسین علیه‌السلام گرم است میل به خضوع دارد؟ آیا مستند به این تجربه، نمی‌توان در راهپیمایان اربعین این خودگامگی را ایجاد کرد؟

اربعین این خودگامگی را ایجاد کرد که پس از پیاده‌روی هم می‌تواند نظام‌ها و قواعد جاری را به سود یک نظم جدید شرع‌محور خرد پسند تغییر دهند. اگر تمدن یا همگرایی کشورهای اسلامی ساخته می‌شود، آیا در اربعین فرصتی استثنایی برای تمرین عملی همکاری ۲کشور اسلامی یا حفظ منافع ملی خود برای هر یک از اربعین فرصتی استثنایی برای تمرین عملی اجتماعی است؟ تجربه این تجربه اجتماعی است. یعنی ما با کنش‌هایی در این اجتماع دینی در اربعین مواجه هستیم که به‌فراهم‌سازی امکان تجربه متعالی منجر می‌شود.

حتما شنیده‌اید که مردم با حضرت رسول چه کار می‌کردند و آب دستشان یا چیزی را که می‌خورند برای تبرک می‌بردند. آنها چه زیبایی دارند و من می‌دیدند و چطور غرق در او می‌شدند که این حالت از آنها بروز می‌کرد؟ اینکه سر و دست می‌شکستند برای موهومات نبوده، بلکه یک زیبایی یکپارچه می‌دیدند و برای کسب تجربه این زیبایی مشارکت می‌کردند و تمدنی که ظرف ۱۰۰سال با آدم‌های عجیب و غریب شکل گرفت از طریق این پیوند ظهور پیدا کرد. این تجربه در زمان انبیا از طریق انبیا و در غیرزمان انبیا در مقاطع تاریخی مثل انقلاب اسلامی حاصل می‌شود و ما نمی‌دانیم آسمان چطور باز می‌شود؛ یعنی حادثه عادی نیست که ظرف ۲سال یک جامعه متحول می‌شود و کل انسان‌ها عوض می‌شوند و انسان از این بدین لذت می‌برد. این چیزی عادی نیست و کسی آن را تحلیل نکرده و یکی از نقاط مغفول در علوم اجتماعی است. این فقط مختص انقلاب ما نیست بلکه تمام انقلاب‌ها تجربه خیرات را ارائه‌دهد؛ یعنی تجربه لحظاتی عموم به‌دست آوردیم نزدیک است و آن را توجیه می‌کند و هم محتوای اساسی این حادثه را که قرار است حادثه تاریخی بزرگ باشد. برای اینکه وارد این فهم شویم، از تقابل‌هایی که در نظریات اجتماعی بین اشکال مختلف کنش و جماعات و اجتماعات شده استفاده می‌کنم. می‌دانید که این شکل از عمل و کنشی که در قالب اربعین ظاهر می‌شود شکلی از جماعت و کنش است که هم به لحاظ کنشی و هم به لحاظ صورت نظام اجتماعی که تجدد را می‌سازد دقیقا مقابل منطق

توضیح هر کدام مجالی مفصل می‌طلبد و اینجا صرفا از باب اقب‌گنشایی عناوین آورده شد تا بدانیم همانگونه که تغییر نگاه به مراسم عزاداری امام‌حسین علیه‌السلام آن را به یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل کرد، از ظرفیت بسیار بالای اربعین هم برای اصلاح کل فلسفد اممورالمسلمین که اقدامی تمدنی است، می‌توان بهره جست.

دوشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۱

شماره ۸۵۹۵

کلام نیکان

سبکی بلاء

مرحوم استاد صفایی حائری:

«این غنای باطنی توست که تو را در متن گرفتاری‌ها راحت کرده است. با این توجه است و با این وسعت در نیاست که بهشت نقد باریت حاصل می‌شود. به تعبیر ابا‌عبدالله وقتی که همه گرفتاری‌ها بر او نازل می‌شد وقتی حلقوم دریده علی صفر و شیر خوار خود را می‌دید و خوش راه آسمان برتاب می‌کرد می‌فرمود: «هَوْنُ عَلٰی مَا نَزَلَ بِيْ اَنْهٗ بَعِيْنُ اللّٰهِ» آنچه از بلا و مصیبت بر من فرود می‌آید، سبک و راحت است، چون خدا می‌بیند و او برمی‌دارد. آنچه رنج را برمی‌دارد و حضرت را راحت می‌کند، این نیست که سختی ندیده و تیغ بر پای او ننشسته، نه حتی گلولی طفل شیرخوارش سر تا سر دریده شده، ولی راحت است و سسینه‌ای دارد از تمامی مصیبت‌ها بزرگ‌تر که کهکشانش رنج‌ها در آن شناور است و به جایی نمی‌رسد. در ادامه دعا آمده است: «اللّٰهُمَّ اِنَّا تَوَدُّوْا بِكَ اَنْ تُزْوِيَ وَجْهَكَ عَنَّا فِیْ حَالٍ» ما به تو پناه می‌بریم از اینکه تو، در هر حالی که هستم؛ از غنا و فقر، سلامت و مرض، راحتی و رنج، چهره خودت و جمال‌ت را از ما بپوشانی و دور بباری؛ یعنی آدمی که تا این مرحله آمد، تحول نعمت‌ها را می‌تواند تحمل کند، ولی دوری محبوب را نه. نعییم و جنت او دیگری شده و به سمت او روی آورده است که «با نعییمی وَ جَنَّتِنِیْ وَ بِاِذْنِیْا وَ اٰخِرَتِنِیْ» نیکه لطیفی که مطرح است، این است که اگر بنا شد تو به وسعتی برسی، یا باو باید به این وسعت برسی. پس دیگر نمی‌توانی در هر حالی از او محجوب باشی. حقیقت امر این است اگر به تو همه چیز بدهند، همه دنیای تو زجر جد شود، سقف تو طلا شود، غلما بدهند، حور بدهند، ولی از او محجوب باشی، همین برای محرومیت تو کافی است. اگر با او دادوستد نداشته باشی، امر او را نبینی، نگاه مهربان او را احس نکنی، توجه و عنایت همراه او را شاهد نباشی، به چه چیز مشغول خواهی شد؟ و چقدر بهره‌مند خواهی شد؟ با این همه امکانات چه خواهی کرد و چه می‌توانی بکنی؟»

پن: بر گرفته از کتاب شرح بر دعاهای روزانه حضرت زهرا سلام‌الله علیها، ص ۴۲

کتاب اندیشه

اربعین، جهانی دیگر



اربعین در دنیای کنونی یک راهپیمایی و آیین دینی است که می‌توان با تسامح آن را یکی از مضامیق مناسک دانست؛ منسکی که مجموعه‌ای از رفتارهای مذهبی را دربردارد و توسط عموم مردم در بستری کاملاً عرفی، یعنی برآمده از عرف عام، در مقل سیره

مستشرعه در فقه یا نجفگان در جامعه‌شناسی شکل می‌گیرد. در شکل گیری این آیین و منسک دینی هیچ گونه نهاد یا سازمان دولتی یا مدیریت انسانی دخالت نداشته و آن را به‌وجود نیارود؛ از کاملاً خودجوش است. از قضا، در بستر راهپیمایی اربعین کنش‌هایی رخ می‌دهد که یک نظام اجتماعی منحصر‌فرد را در بازه زمانی ایام اربعین در جامعه به‌وجود می‌آورد. اربعین نماد قدسی‌سازی عرف و عقلانیت اجزای (حساس) و منفعت‌طلبی و دنیاگرایی حدکنثری است که کتاب «اربعین، جهانی دیگر» در برسد توضیح آن برآمده، این اثر جمع‌آوری مطالبی است از نشست‌های تخصصی، گفتارهایی از صاحب‌نظرانی چون محسن اراکی، حسین رحیم پورازغدی، اصغر طاهرزاده، حسین کچویان، سیدمحمد میریگاری، علیرضا پناهپناب، محرم غازی‌شیری و... و مقالاتی از پژوهشگران در همایش ملی ظرفیت‌های فرهنگی-تمدنی اهت لبت که به همت پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و با همکاری پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دانشگاه امام صادق، دانشگاه باقرالعالم و مؤسسه علمی- فرهنگی آفاق حکمت برگزار شده است.

از مذکور توسط مسعود معینی‌پور گردآوری شده و انتشارات سورمه‌پنر آن را منتشر ساخته است.

اندیشه مسطور

مفاهیم و تجمیع دوگانها

در راهپیمایی اربعین

حسن رحیم پور ازغدی

به‌راجه به پدیده‌های صحت می‌کنیم که گرچه در درجه اول پدیده شیعی تعریف می‌شود اما اگر با مقیاس‌های فرانسوی و قراردینی به آن نگاه کنیم، یک حادثه استثنایی در تمام جهان است و نظیر ندارد. در واقع بزرگ‌ترین و تاریخی‌ترین مهاجرت قطعی با دو بُعد عبادی و سیاسی است، زیرا از ابتدای تاریخ بشر چنین راهپیمایی اتفاق نیفتاده و بی‌شک یک گزردار تاریخی است. هیچ‌چین، مذهب، مکتب و آیینی، چه الهی و چه بشری، چنین راهپیمایی و تجمعی را در تمام تاریخ نبوده. در این راهپیمایی کسی نسبت به چیزی احساس مالکیت نمی‌کند. البته برنامه‌ریزی می‌کنند اما به برنامه‌ریزی‌های مادی تکیه نمی‌کنند؛ مسائلی مانند اینکه ناهار و شام چه می‌شود یا در صورت بیماری چه کار باید کرد، مفهوم دیگری که در این راهپیمایی معنای دیگری پیدا می‌کند مفهوم ایثار است. این نوع پذیرایی که در اربعین انجام می‌شود، نمونه‌ای در تمام جهان نمونه ندارد بلکه وقتی کسانی تعریف می‌کنند، باور نمی‌کنند. بر سر ایثار کردن بین افراد قایت وجود دارد. قایت بر سر اینکه نمی‌پذیرایی کنیم یا تو. این هم درحالی که بعضی از این افراد فقیر هستند. در این مراسم التماس معکوس وجود دارد. همه جای دنیا برای گرفتن گدایی می‌کنند ولی اینجا برای دادن گدایی می‌کنند. این یعنی مفهوم مالکیت و ایثار، مفهوم من و تو مرزهای اعتباری و مادی بین انسان‌ها در اینجا از بین می‌رود. این رفتار می‌تواند مبنای تمدن جدیدی باشد. مفهوم ریاضت و سازندگی اینجا با هم یک‌جهت می‌شوند. شما آدم‌هایی را می‌بینید که معلول اند و نذاردند ولی روی زانو راه می‌روند. این ریاضت سازنده است و تاریخ را می‌سازد. این ریاضت خردکننده انسان و فروپاشنده اعتدال بشری نیست. بلکه انسان‌ساز در ساحت فردی و تمدن‌ساز در ساحت جمعی است. مفهوم فایده‌گرایی و عقلانیت، خطرپذیری و ریسک‌پذیری، تمدن‌ساز بودن و در عین حال سبک‌بودن یک حرکت جمعی، عزاداری توأم با بهجت و در. اربعین جمع شده‌اند. «

پن: بر گرفته از کتاب اربعین، جهانی دیگر، ص ۱۲۴